

بررسی مؤلفه های ادب غنایی در منظومه فرهاد و شیرین

وحشی بافقی

افسانه مصطفوی^۱، مرتضی رزاق پور^۲، سیاوش مرادی^۳

چکیده

ادبیات غنایی، کهن ترین نوع ادبی با دامنه ای وسیع است که مشتمل بر درون مایه هایی مبتنی بر احساسات و عواطف فردی و اجتماعی است. این نوع ادبی، که در قالب شعر یا نثر ظهور می یابد، بازتاب دهنده عواطف درونی پدیدآورنده می باشد و به مسائلی چون عشق، رنج، دوستی و امور مرتبط با جهان درون انسان می پردازد. نخستین شاعران، با هدف بیان احساسات خود، قطعاتی را سرودند که در زمره شعر غنایی جای می گیرد. این نوع شعر، که از دیر باز تاکنون انواع و گونه های متعددی؛ چون مدح، هجو، رثا، حبسیه، شهر آشوب، و... برای آن برشمرده اند، آینه ای است که عواطف، احساسات، یأس ها و ناامیدی های شاعر را در مسیر دست یافتن یا نیافتن به آرزوها و دنیای آرمانی اش باز می تاباند. شعر غنایی عموماً کوتاه و موجز است و با احساسات و عواطف شخصی شاعر در ارتباط است؛ بر این اساس، نگارنده در این پژوهش بر آن است تا مؤلفه های ادب غنایی را در منظومه «فرهاد و شیرین» و ویژگی های محتوایی و صوری این نوع ادبی را از نظر تبیین مؤلفه های اصلی آن، همراه با تفکیک و طبقه بندی علمی اقسام آن بررسی کند تا به درک بهتر مخاطب کمک شایانی کرده باشد. حاصل تحقیق نشان از آن دارد که می توان با بهره گیری از مؤلفه های موجود در منظومه های غنایی شاخص ها را مشخص نمود و در دسته بندی های آثار ادبی قرار داد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا بر منابع کتابخانه ای انجام شده است.

کلید واژه ها: نوع ادبی، ادبیات غنایی، شعر غنایی، منظومه فرهاد و شیرین.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

مقدمه

ادبیات غنایی، به عنوان یکی از شورانگیزترین جلوه‌های ادبیات جهان، همواره در همه فرهنگ‌ها مورد توجه بوده و اکثر شاعران به آن پرداخته‌اند و آثاری فاخر در این حوزه خلق کرده‌اند. در واقع، ادبیات غنایی، زبان و ترجمان احساسات و عواطف انسانی است. در این نوع ادبی، «حالت روحی» شاعر که تحت تأثیر مواجهه با واقعیت‌های زندگی شکل می‌گیرد، از اهمیتی بنیادین برخوردار است و همین عواطف و حالات درونی است که خاستگاه اصلی آفرینش شعر غنایی به شمار می‌رود. از آنجا که شاعر محور اصلی ادبیات غنایی است، این نوع ادبی علاوه بر مضامین عاشقانه، موضوعاتی چون حسب‌حال‌سرایی، اشعار دینی، مرثیه، مدح، شکایت و دیگر درون‌مایه‌های عاطفی را نیز در بر می‌گیرد و از همین رو، دارای افق معنایی بسیار وسیعی است (رستگارفسایی، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

شعر غنایی رومان‌تیک، با تأکید خود بر درونی بودن، دوره‌ای از حیات خود را آغاز کرد. شاعر درباره تجربه خویش یا با خود سخن می‌گوید یا با هیچ کس در این مورد سخن نمی‌گوید. جان استوارت میل در «شعر چیست؟» شعر را پیش از آن که نوعی کلام بداند که به مکان و شنونده مربوط می‌شود، نگاهی به درون خویش و صمیمانه در باب خود سخن گفتن می‌شمارد (بروستر، ۱۳۹۵: ۵۱). شعر غنایی، مبین شخصیت یگانه شاعر، احساسات، حالات روحی، شادی و غم، بیم و امید و در یک کلام، آینه‌دار شخصیت حقیقی اوست. ادبیات غنایی کوششی است از سوی شاعر برای سامان‌دهی و نظم‌بخشی به خیالات و احساسات خود تا بتواند با تجارب پیچیده زندگی مواجه شده و آن را درک کند.

این نوع ادبی، دارای شاخص‌ها و مؤلفه‌های محتوایی و صوری خاصی است که حد و مرز و وجوه تمایز آن را با دیگر انواع ادبی مشخص می‌کند. برخی از این مؤلفه‌ها برای ادبیات غنایی اصلی و لازم هستند، به طوری که عدم حضور آن‌ها غنایی بودن متن را منتفی می‌سازد، مانند مؤلفه‌هایی که به بیان احساسات گوناگون از جمله عشق و جوانی، پیری، مضامین عاشقانه و عارفانه، تخیل، بیان احساسات فردی، درون‌گرایی و پرداختن به عواطف اشخاص می‌پردازد و برخی دیگر فرعی و تبعی مانند صور خیال و صنایع ادبی به شمار می‌روند. به طور کلی، هر اثری که به بازتاب عواطف و احساسات شخصی که در بطن یک اجتماع قرار دارد بپردازد، در قلمرو ادب غنایی جای می‌گیرد.

آثار منظوم وحشی بافقی، از جمله منظومه «فرهاد و شیرین» سرشار از عناصر و مؤلفه‌های غنایی هستند که به شیوه‌های گوناگون در قالب اندوه، غم هجران، توصیف حالات درونی عاشق و معشوق تجلی یافته‌اند. وحشی بافقی با بهره‌گیری از زبانی ساده و درعین‌حال عمیق و تاثیرگذار، توانسته است مضامین غنایی را به شکلی هنرمندانه به تصویر بکشد. بر این اساس، این پژوهش بر آن است تا با روشی توصیفی-تحلیلی، مؤلفه‌های ادب غنایی را در منظومه «فرهاد و شیرین» مورد واکاوی قرار دهد.

بیان مسأله

انواع ادبی، به همراه سبک‌شناسی و نقد ادبی، از شاخه‌های نوین علوم ادبی به شمار می‌رود که موضوع اصلی آن، طبقه‌بندی آثار ادبی از نظر ماده و صورت در گروه‌های مشخص است. «در واقع، انواع ادبی یکی از مهم‌ترین شعبه‌های مطالعات ادبی است که در دهه‌های اخیر با دیدگاهی علمی بر همه شئون فکری بشر تأثیر نهاده است». (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۶).

پرسش بنیادین در حوزه انواع ادبی این است که آیا هر اثر ادبی وجودی مستقل دارد یا به گونه‌ای با دیگر آثار مرتبط است؟ آیا می‌توان میان درون‌مایه‌های آثار ادبی، شباهت‌هایی ساختاری یافت؟ به عبارت دیگر، آیا ادبیات مجموعه‌ای از آثار پراکنده است یا آنکه آثار ادبی از نظم و نظامی خاص پیروی می‌کند؟ برای طبقه‌بندی آثار ادبی، باید از دیدگاهی علمی به ادبیات نگریست و آثار مشابه را در طبقات مخصوصی جای داد. مهم‌ترین ویژگی یک علم، امکان طبقه‌بندی منظم پدیده‌های آن است و انواع ادبی این مهم را برای ادبیات محقق می‌سازد. هدف در انواع ادبی، طبقه‌بندی آثار بر اساس ساختمان و مختصات درونی و ساختاری آن‌هاست. باید ویژگی‌های مشترک را در آثار ادبی استخراج کرد و وجوه تمایز آن‌ها را با دیگر انواع نشان داد. «گاهی برای این کار، به طبقه‌بندی بر اساس صورت (مانند تعداد ابیات و وضعیت قافیه) اکتفا می‌شود و گاهی در سبک‌شناسی، آثار بر حسب تاریخ یا مکان پیدایش تقسیم‌بندی می‌شوند؛ اما محور اصلی در انواع ادبی، توجه به ساختار درونی اثر است». (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۶).

ادبیات غنایی گونه‌ای از ادبیات است که با زبانی نرم و لطیف و با بهره‌گیری از معانی عمیق، به بیان احساسات و عواطف شخصی انسان می‌پردازد. منظومه‌های غنایی، چنان که از نام آن پیداست، اشعاری هستند برای بیان احساسات انسانی از قبیل عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هرآنچه که روح آدمی را متأثر

می‌سازد. این گونه اشعار که در گذشته کوتاه بودند، در یونان باستان به همراهی سازی به نام «لیر» خوانده می‌شدند و از همین رو در زبان‌های اروپایی به آن «لیریک» (Lyric) می‌گویند.

اصولاً در اکثر نقاط جهان، اشعار عاطفی و عاشقانه با موسیقی همراهی می‌شده است؛ چنان که در اروپا تروبادورها و در ایران، عاشق‌ها و خنیاگران، حاملان این سنت کهن بودند. یکی از زمینه‌های مهم شعر غنایی، بُعد اجتماعی آن است؛ برای مثال، مناجات‌های سنایی، حبسیه‌های مسعود سعد سلمان، غزل‌های حافظ، طنز عبید زاکانی و مرثیه‌های ملک‌الشعرای بهار، همگی حاوی پیام‌های اجتماعی مهمی هستند. شعر غنایی به مجموعه آثاری اطلاق می‌گردد که مستقیماً از احساسات، عواطف و انگیزه‌های درونی شاعر سرچشمه می‌گیرند. تأثراتی همچون شادی و اندوه، لذت و الم، عشق و دوستی، مرگ عزیزان، خشم و محبت، عرفان و خداپرستی و هرگونه هیجان ناشی از جهان درونی گوینده، در حوزه وسیع شعر غنایی جای دارند. «در این گونه شعر، گستره طبیعت، وصف اشیاء و شکوه انسان قابل درک است. توصیف اشخاص و پدیده‌ها، اعم از ممدوح یا محبوب، حضوری دائمی دارد. حتی «فخریه» یا خودستایی که نمودار تعریف و تمجید شاعر از خود، خاندان یا قبیله‌اش است، از مقوله غنایی‌هاست؛ البته اگر در این زمینه اغراق شود، به خودستایی و غرور مبدل می‌گردد. برخلاف تعریف اولیه، لازم نیست شعر غنایی حتماً با آواز و ساز اجرا شود، اما همواره درونیات شاعر را با بیانی که آماده همراهی با نغمه است بیان می‌کند». (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

در شعر غنایی، گاهی سخنگو خود شاعر است و گاهی «پرسونا» (Persona) یا نقابی که شاعر به چهره می‌زند؛ بنابراین، شخصیت حاضر در شعر را نباید لزوماً با شخصیت واقعی شاعر یکی دانست. در شعر فارسی، ادبیات غنایی در قالب‌های گوناگونی مانند داستان، مرثیه، مناجات، شکوائیه، و قالب‌های شعری چون غزل، مثنوی، رباعی و حتی قصیده ظهور می‌یابد، اما مهم‌ترین قالب آن بی‌شک «غزل» است. در غزل، قهرمان اصلی معشوق است و عاشق (که خود شاعر یا راوی است) با محوریت قرار دادن معشوق، به بیان گلایه‌ها، آرزوها و احساسات خود می‌پردازد. اگرچه ارسطو در تقسیم‌بندی‌های خود به طور مستقیم از شعر غنایی نام نبرده، اما شارحان و پیروان او به تدریج به تبیین این نوع ادبی پرداخته‌اند.

«شعر غنایی، آیینه تمام‌نمای احساسات و عواطف بشری است که در قالب تصاویر شاعرانه و خیال‌انگیز متجلی می‌شود». (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۷۸) در اکثر آثار ادبیات غنایی، عواطف و حالات درونی شاعر نقش محوری دارد و موضوع اثر به رنگ جان شاعر درمی‌آید.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

با این که ادب غنایی از گسترده ترین انواع ادبی در ایران است و شاعران ما در این حوزه به شهرت جهانی دست یافته اند اما متأسفانه در حوزه نقد و بررسی این متون از منظر شاخص های ادب غنایی کار زیادی صورت نگرفته است و گویا ما هنوز در آغاز این راهیم. از این رو اهمیت پژوهش هایی نظیر این مقاله آشکار می شود. بدیهی است که تنها خواندن و التذاذ هنری نمی تواند به تمام سوالات ما در توصیف زیبایی و ارزشمندی اثر ادبی پاسخ دهد. تحلیل و تعلیل هر اثر غنایی نیاز به جستجوهای جسورانه ای دارد که لازمه هر تحقیق و پژوهش جدی ای است؛ بنا بر این ما در این پژوهش می کوشیم با ورود به این عرصه یافته های خود را با خوانندگان در میان بگذاریم و چنین تحقیقاتی را یک گام پیش ببریم و کارداوری را احتمالاً تسهیل کنیم.

روش تحقیق

روش تحقیق مجموعه ای از قواعد، ابزار و راه های معتبر و نظام یافته برای بررسی واقعیت ها و کشف مجهولات است. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی مولفه های ادب غنایی می باشد. از آنجا که این پژوهش بصورت کتابخانه ای انجام گرفته؛ بنابراین از نظر هدف یک تحقیق بنیادی محسوب می شود و روش گرد آوری داده ها نیز یک پژوهش توصیفی است.

روش تحقیق در این مقاله از نوع بنیادی است که به شیوه تحلیلی - توصیفی براساس روش کتابخانه ای انجام می گیرد. برای این منظور، ابتدا به جستجوی منابع در حوزه شرح و تحلیل و تبیین مولفه های غنایی در این منظومه و بررسی نکات آن می پردازیم. در مرحله دوم مطالعه منابع، استخراج شواهد و یادداشت برداری از منابع انجام می گیرد. سپس به طبقه بندی یافته ها پرداخته می شود. نگارش طرح ها بر اساس طرح، مرحله بعدی را در بر دارد و در مرحله پایانی، حرف نگاری و نمونه خوانی مطالب و اصلاح و ویرایش آن ها انجام می گیرد. در این پژوهش از روش کتابخانه ای و فیش برداری جهت انجام مطالعات پژوهشی مورد استفاده پایان نامه بهره گرفته شده است.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های پیشین در حوزه مؤلفه‌های ادب غنایی در منظومه‌های کلاسیک فارسی، اگرچه پراکنده و محدود بوده، اما گام‌های ارزشمندی در این زمینه برداشته شده است. با این حال، مطالعه‌ای نظام‌مند و جامع که به طور خاص به واکاوی مؤلفه‌های غنایی در منظومه‌های ادب پارسی پرداخته باشد، صورت نگرفته است و بیش‌تر پژوهش‌ها به صورت پراکنده و در گذر به این آثار اشاره داشته‌اند.

سازمند، فهیمه (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های غنایی مشترک در آثار فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی»، به تحلیل جلوه‌های عاطفی در آثار این دو شاعر پرداخته است. نویسنده در این پژوهش دریافت که شاعر، با شناختی عمیق نسبت به زبان، فرهنگ و قواعد سبکی، علاوه بر پرداختن به بن‌مایه عشق، ویژگی‌های سبکی دیگری را نیز با عواطف و احساسات درآمیخته و اثری چندبعدی پدید آورده است.

مهمان‌دوست، رقیه (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «بررسی مؤلفه‌های غنایی و کارکرد آن در منظومه بانوگشسب‌نامه»، به تحلیل ویژگی‌های انسانی پهلوانان و نقش عاطفه و احساس در کردار، اندیشه و گفتار آنان پرداخته است. وی از مؤلفه‌های غنایی پُرتردد در این حماسه عاطفی بهره جسته و نشان داده که شاعر با برجسته‌سازی نقش عواطف، تعادلی قابل تحسین در روایت حماسی ایجاد کرده است. به باور نویسنده، انعکاس شاخصه‌های غنایی در «بانوگشسب‌نامه» به عینیت‌بخشی مفاهیم انتزاعی و ذهنی شخصیت‌ها کمک کرده و خواننده را در جریان حالت‌های روحی پهلوانان قرار می‌دهد.

مشهدی، محمدمامیر (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی به «بررسی مؤلفه‌های ادب غنایی در تاریخ بیهقی» پرداخته و با روش توصیفی-تحلیلی، مواردی چون شور و شوق، مجالس عروسی، صحنه‌های شکار، لحظات تأسف و مرگ اطرافیان را مورد بررسی قرار داده است. وی اشاره دارد که بیهقی با تخیل قوی خود در آفرینش صحنه‌های بدیع، از عناصر ادب غنایی بهره برده و با توصیفات دقیق و صحنه‌آرایی‌های زنده، بر زیبایی اثرش افزوده است. مشخصه اصلی این بخش‌ها، عواطف و احساساتی است که در زمره ادبیات غنایی جای می‌گیرند.

با وجود ارزشمندی پژوهش‌های فوق، جای خالی مطالعه‌ای تطبیقی و عمیق که به صورت خاص به استخراج و تحلیل نظام‌مند مؤلفه‌های غنایی در منظومه «فرهاد و شیرین» بپردازد، به وضوح احساس می‌شود. پژوهش حاضر در پی پر کردن این خلأ پژوهشی است.

بحث و بررسی

خلاصه داستان فرهاد و شیرین

در میانه داستان عشق خسرو و شیرین روایت می‌شود که شیرین، شاهزاده ارمنی، پیوسته هوس نوشیدن شیر می‌کرد. از آنجا که گله‌های گوسفند از قصر او فاصله زیادی داشتند، خدمتکاران مجبور بودند مسیری طولانی را برای آوردن شیر طی کنند. شیرین نمی‌خواست آنان را به زحمت بیندازد، ضمن این‌که شیر در مسیر طولانی کهنه می‌شد.

وقتی شاپور از این موضوع آگاه شد، فرهاد را - که استادی بی‌نظیر در سنگ‌تراشی بود - به شیرین معرفی کرد و پیشنهاد داد که او می‌تواند جویی در دل کوهستان حفر کند تا شیر از محل نگهداری گوسفندان به قصر شیرین جاری شود.

شاپور فرهاد را نزد شیرین آورد و او به دستور شیرین، کار کندن کوه را آغاز کرد. روزی شیرین تصمیم گرفت از کار فرهاد دیدن کند. شیرین بعد از دیدن کار فرهاد تحسینش کرد و چند گوهر گران‌بها از گردن‌بند خود به او بخشید و گفت: «این را به عنوان پیش‌پرداخت بگیر و پس از پایان کار، پاداش کامل خواهی گرفت.» فرهاد جواهرات را گرفت و در کمال احترام پیش پای شیرین نهاد.

از همان لحظه، عشق شیرین در دل فرهاد ریشه دواند. او به دشت رفت و از عشق ناکام خود ناله‌ها سر داد، اما جرأت ابراز احساسات به شاهزاده را نداشت. غم دوری چنان بر او سخت گذشت که از مردم کناره گرفت و در انزوا به سر برد.

این ماجرای پر سوز و گداز در میان مردم شهرت یافت و به گوش خسرو نیز رسید. خسرو که خود عاشق شیرین بود و شیرین نیز به او مهر می‌ورزید، از این خبر سخت برآشفته. او بزرگان را فراخواند و گفت: «نمی‌توانم فرهاد را به حال خود رها کنم و کشتن او نیز قتل بی‌گناهی خواهد بود. راه چاره چیست؟ تحمل عشق دیگری به شیرین برایم ممکن نیست.»

بزرگان به خسرو پیشنهاد کردند: «پادشاه! او را با پیشنهاد مال و ثروت بسیار بفریب تا از عشق شیرین دست بردارد. اگر نپذیرفت، او را به کاری طاقت‌فرسا مانند کندن کوه‌ها وادار کن تا یا از عشقش بیرون آید، یا عمرش در این راه به پایان رسد.»

خسرو فرهاد را به قصر احضار کرد و هدایای گران‌بهایی به او پیشکش کرد. در گفت‌وگویی که بین آن دو درگرفت، فرهاد با استواری تمام و با تکیه بر عشقش به شیرین، به تمام پیشنهادهای خسرو پاسخ رد داد و حتی حاضر نشد در برابر ثروتی کلان، عشق خود را فراموش کند.

خسرو خشمگین شد و به فرهاد دستور داد راهی در میان کوه بیستون - که از سنگ‌های سخت خارا تشکیل شده بود - بکند. فرهاد پذیرفت و گفت: «این کار را می‌کنم تا تو ای پادشاه از من راضی شوی، اما هرگز دل از عشق شیرین نمی‌شویم.» خسرو خشم خود را فروخورد و فرهاد را به کوه فرستاد.

فرهاد با عشقی جاودانه، چهره شیرین را بر صخره‌های کوه نقش کرد و سپس تصویر خسرو پرویز و اسبش شب‌دیز را در کنار آن حجاری نمود. او در هنگام کار، همواره به معشوقش می‌اندیشید؛ گاهی می‌گریست و گاهی از دور به قصر شیرین چشم می‌دوخت و با خود زمزمه می‌کرد: «ای معشوق بی‌وفا! من جان خود را فدای تو می‌کنم و در میان این صخره‌ها زندانی شده‌ام، و تو در کنار خسرو، بی‌خبر از من، در جشن‌ها و بزم‌ها شرکت می‌کنی.»

روزی شیرین به همراهانش گفت: «حالا که فرهاد به عشق من مشغول کردن کوه است، برویم و کار او را از نزدیک ببینیم.» او سوار بر اسب شد و با هدایایی به کوه بیستون رفت. فرهاد با دیدن شیرین، که باورش نمی‌شد چنین مهمانی دارد، شادمان شد و به پیشواز او شتافت. شیرین احوالش را پرسید و فرهاد با دل‌پرغصه پاسخ داد: «عاشق توام، ولی تو به من التفاتی نداری. خواهش می‌کنم کمی بمان تا به جمال تو بنگرم. اگر تو نیز به من مهر ورزی، دیگر شاه نخواهد توانست ادعا کند که دل‌داده‌اش هستی.»

وقتی شیرین خواست بازگردد، اسبش زمین خورد و نتوانست برخیزد. فرهاد، در حالی که شیرین هنوز بر اسب سوار بود، آن را بر دوش گرفت و از کوه پایین آمد.

به خسرو خبر دادند که شیرین به دیدار فرهاد رفته و این رویدادها رخ داده است. و بعد از آن واقعه، فرهاد چنان شادمان و پرانگیزه شده است که به سرعت کار کردن کوه را به پایان خواهد برد. نظامی گنجوی این واقعه را چنین روایت می‌کند:

خسرو با بزرگان مشورت کرد و از آنان راه چاره خواست. آنان گفتند باید کسی را به کوه بفرستد تا به دروغ خبر مرگ شیرین را به فرهاد برساند. آن‌ها مردی بدنهاد را تعلیم دادند و او به کوه رفت و به دروغ خبر مرگ شیرین را به فرهاد داد.

فرهاد از این خبر سخت غمگین شد و در دم جان سپرد. تیشه و سنگی که در دست داشت، بر زمین نمناک افتاد و به درخت اناری تبدیل شد که میوه‌اش داروی بسیاری از دردهاست.

شیرین با شنیدن خبر مرگ فرهاد، دچار اندوه عمیقی شد. سپس خسرو با طعنه و ریشخند نامه‌ای برای شیرین فرستاد و مرگ فرهاد را به او تسلیت گفت. هنگامی که شیرین نامه معشوقش خسرو را دید،

نخست بسیار شادمان شد و بر نامه بوسه‌ها زد؛ ولی وقتی نامه را گشود و طعنه‌های گزنده او را خواند، سخت اندوهگین شد. با این حال، از آن‌جا که دختری هوشمند بود، پاسخی نداد و سکوت اختیار کرد.

شاخص‌های ادب غنایی

ادبیات غنایی با دارا بودن شاخص‌ها و مؤلفه‌های خاص، از دیگر انواع ادبی متمایز می‌شود. این شاخص‌ها به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند.

شاخص‌های محتوایی:

- بیان احساسات و عواطف گوناگون انسانی (مانند عشق، شادی، اندوه، یأس، امید)

- پرداختن به مضامین عاشقانه و عارفانه

- درون‌گرایی و توجه به جهان ذهن و احساس

- نگاه انتقادی یا pessimistic به جهان و هستی

- خلق فضایی غم‌آلود یا شاعرانه

- بازتاب شادی‌ها و مصائب ناشی از رویدادهای زندگی

شاخص‌های صوری و زبانی:

- لطافت و موسیقایی بودن زبان

- به‌کارگیری واژگان، ترکیبات و تصاویر شعری نرم و عاطفی

- استفاده از استعاره، تشبیه و کنایه‌های لطیف و عاطفی

- کاربرد صنایع ادبی که با فضای عاطفی اثر همخوانی دارند.

- نقش پررنگ عواطف و حالات روحی شاعر در شکل‌گیری اثر

- هماهنگی کامل بین درونمایه و فرم اثر

می‌توان نام کلی دیگری برای انواع اصلی و فرعی ادبیات غنایی یافت تا تمامی این انواع را پوشش دهد؛

مانند عنوان شعرشخصی که دکتر فرشیدورد آن را پیشنهاد داده‌اند یا شعر احساسی که از دیدگاه ما

می‌تواند تا حدودی بیانگر احساسات عواطف شخصی آدمی باشد؛ زیرا در این‌گونه اشعار، شاعر از قوه

حس بیش از تخیل بهره می‌گیرد و ادراکات حسی خود را از امور طرب‌انگیز و اندوهبار به یاری شعر به

دیگران القا می‌کند (زرین کوب، ۱۳۵۴: ۳۷).

شاخص‌های ادب غنایی در منظومه فرهاد و شیرین

ادبیات غنایی شاخص‌های خاصی دارد که آن را از انواع دیگر جدا می‌کند. برخی از این شاخص‌ها اصلی و برخی فرعی هستند.

شاخص‌های محتوایی

بیان احساسات گوناگون از جمله عشق و جوانی و پیری، مضامین عارفانه و عاشقانه، درون‌گرایی، دید منفی به جهان و ایجاد فضای غم‌آلود و شادی‌های ناشی از حوادث روزگار.

شاخص‌های صوری

هدف این بخش کشف ارتباطات تازه میان زبان، صور خیال و صنایع ادبی با ادبیات غنایی می‌باشد. می‌توان به لطافت و نرمی زبان، به کارگیری کلمات، عناصر، ترکیبات و تصاویر نرم و متناسب با فضای غنایی و استعارات، تشبیهات، و کنایات لطیف غنایی اشاره کرد. در اکثر آثار ادبیات غنایی عواطف و حالات روحی شاعر نقش پررنگی دارد و موضوع و درونمایه رنگ جان شاعر را به خود می‌گیرد.

مؤلفه‌های محتوایی

بیان عشق با بت سنگی

فرهاد به فرمان خسرو به کوه بیستون رفت که از سنگ‌های سخت خارا بود؛ اما به عشق شیرین سختی کار را به جان می‌خرید. فرهاد شکل صورت شیرین را هنرمندانه بر صخره کوه کنده‌کاری کرد و سپس شکل خسرو پرویز و اسبش، شب‌دیز را نیز بر کوه کند.

چو فارغ شد از آن صورت نگاری	به پایش سر نهاد از بیکراری
فغان برداشت کای بت کام من ده	بین بی طاقتی آرام من ده
ترا دانم نداری جان ، تنی تو	بت سنگی و مصنوع منی تو
ولی ره زد چنان سودای یارم	که غیر از بت پرستی نیست کارم

(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۸۱)

عاشقانه و عارفانه بودن

عشق ودیعه ای الهی است که در وجود انسان نهاده شده و با ذات و فطرت وی عجین شده و انسان پیوسته به دنبال معبود و معشوق حقیقی بوده است. ما در اشعار وحشی اشعار عارفانه را می بینیم:

چو عاشق را خداوندی پذیرد دلش را از دو عالم برگیرد

(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۷۰)

درین ره هر که بی خود تر رود راست که هر کو خود نبیند، حق شناسد

(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۷۱)

عشق مجازی

عشق مجازی یا انسانی که عشق ورزی به هم نوع است از آغاز در ادبیات فارسی مطرح بوده و در آثار اولین شاعران پارسی زبان چون رودکی، فرخی، منوچهری... وجود دارد. در اشعار وحشی اشعار عاشقانه را می بینیم:

چو بیند روی او روزی فرهاد به یک جان عاشقی صد جان نهاد

(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۱۸۰)

مزیت عمده عشق انسانی و مجازی آنست که موجب تزکیه نفس و دوری از خودخواهی و منیت در انسان می شود؛ به طوری که عاشق دیگری را بر خود مقدم می دارد. در راه معشوق فداکاری و ایثار می کند. لایب نیتس حکیم آلمانی در تعریف این نوع عشق می گوید: «تمتع بردن از سعادت غیرست و این که انسان سعادت دیگر کس را سعادت خویش شمرد.» (لایب نیتس، ۱۳۷۸: ۱۷۱۶-۱۶۴۶).

بدین گونه بر خلاف عشق حیوانی که جز خودپرستی و ارضای نفس هدف دیگری ندارد، عشق در این مقام به غیر پرستی می انجامد. از همین روست که صوفیه حتی همین مرتبه از عشق را هم مایه کمال خوانده اند و مثل بسیاری از عرفای دیگر تجربه عشق و آشنایی با عوالم آن را شرط انسانیت واقعی دانسته اند.

در تمام مکتب های عرفانی از جمله عرفان اسلامی، عشق اساسی ترین و مهم ترین مسأله محسوب می شود و در اصطلاح تصوف و عرفان، اساس و بنیاد هستی بر عشق نهاده شده و محبت پایه و اساس زندگی و

بقا موجودات عالم را موجب می‌شود و جنبش و حرکت زمین و آسمان و همه موجودات به وجود عشق وابسته است (عشق در ادبیات فارسی، ۱۳۸۷: ۳۹)

اشعار عاشقانه نمونه‌ای از موضوعات ادب‌غنایی می‌باشد. گویندگان از آغاز شعر فارسی ادب‌غنایی را در سه محور خلاصه کرده‌اند؛ اول آن‌چه به نفس عشق مربوط می‌شود، دوم آن‌چه مربوط به حالات عشق است، سوم آن‌چه در مورد معشوق می‌باشد. عشق یکی از عاطفه‌های مشترک در میان تمامی انسان‌هاست و قلمرویی بسیار وسیع و گسترده دارد. هر قدر دایره شمول مفهوم و مضمونی، بیش‌تر و گسترده‌تر باشد قطعاً مورد اقبال و توجه قرار می‌گیرد (یوسفی، ۱۳۶۹: ۷۵۳). همین‌طور است که برخی سبب جذابیت شعر غنایی را عاطفه مشترک میان تمامی انسان‌ها دانسته‌اند.

وصف عشق

در اشعار وحشی بافقی اشعار عاشقانه زیادی می‌بینیم که به بیان اوصاف عشق می‌پردازد و حالت مختلف عشق را بیان می‌کند و از لحظه‌های خوب و خوش و عهد و پیمان عاشقی سخن می‌گوید.

هزاران پرده بر قانون عشق است به هر یک نغمه‌ها ز افسون عشق است
به هر دم عشق بر افسون و نیرنگ ز هر پرده نوایی دارد آهنگ

(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۷۰۲)

درون‌گرایی و توجه به جهان ذهن و احساس

شعر غنایی خود شاعر را منعکس می‌کند، نوعی بازتاب خودآگاهی که از ارتباط شعر با ذهنیت و صدا حاصل می‌شود. خود به سوی خود بازگشت می‌کند. این تنش و کشمکش یکی از ویژگی‌های شعر غنایی است.

در آغاز منظومه، وحشی بافقی به صراحت بیان می‌کند که هدف از سرودن این داستان، بیان رنج‌ها و دردهای عشق است و به بیان احساسات و افکار عمیق می‌پردازد.

غرض عشقست و شرح نسبت عشق بیان رنج عشق و محنت عشق

(همان: ۳۷)

مدح و ستایش

مدح در لغت به معنی «ستودن، ثنا گفتن کسی را به صفات نیکو و پسندیده‌ای که در اوست» می‌باشد. در واقع مدح در اصلاح ادبی سخنی است که در آن گوینده به توصیف، تحسین و تمجید کسی بپردازد (رزمجو، ۱۳۷۴: ۳۸).

مدح مضمون اصلی قصیده است و بخش‌های قابل توجهی از اشعار فارسی به مدح پیامبر و بزرگان دین، اختصاص یافته‌است. در مدح باید قهرمان را بیش از آنچه هست نشان دهند و به اصطلاح چهره‌ای را اسطوره کنند. مدح و ستایش از دیگران که معمولاً از حاکمان و بزرگان بوده‌است یکی از گونه‌های ادب غنایی است. مدح نخستین موضوعاتی است که شاعران پارسی‌گو، طبع خود را بدان آزموده‌اند. بسیاری از شاعران ایران از دوره صفوی به بعد مناسبت‌هایی خاص شعر را در خدمت ستایش امیران و پادشاهان قرار داده‌اند.

وحشی بافقی در منظومه شیرین و فرهاد به بیان مدح پرداخته و اشعاری را در مدح و ستایش پیامبر (ص) سروده است:

جهان را در صلا‌ی کار جمهور	به لطف و قهر تو کردند منشور
همه از آفرینش برگزیده	همه از نور یک ذات آفریده
نه خورشیدی که چون پنهان کند روی	گذارد دهر را ظلمت ز هر سوی

(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۸۴)

شاعر به حمد پروردگار پرداخته و ابیاتی را در ستایش خداوند در منظومه شیرین و فرهاد آورده است:

به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها	حلاوت‌سینج معنی در بیان‌ها
شکرپاش زبان‌های شکرریز	به شیرین نکته‌های حالت‌انگیز
به هر ناچیز چیزی او دهد او	عزیزان را عزیزی او دهد او
به سنگی بخشد انسان اعتباری	که بر تاجش نشاند تاجداری

(همان: ۱۲)

شکوه و شکایت

گاهی شاعر در قبال ناملایمات و محرومیت وارد، زبان به شکایت باز می‌کند و حکایت از اندوه، رنج، یاس، ناکامی، می‌کند. شکوه و شکایت از زندگی و دنیا و وقایع حیات نویسنده محصول افکار و

احوال اوست. در اشعار وحشی بافقی هم شکوه و شکایت متفاوت وجود دارد در دوری و فراق یار از ناملایمات روزگار و...

شکوه کردن فرهاد در فراق شیرین

فرهاد در هنگام کندن کوه همیشه به معشوقش شیرین می‌اندیشید و با این فکر خون در دلش موج می‌زد. گاهی گریه می‌کرد و گاهی از دور به سوی قصر شیرین نگاه می‌کرد:

بگفتی دیده را کای ابر خون‌بار	ز سیل خون چه می‌بندی ره یار
بس است این جوی خون پیوسته راندن	که نتوان بر رهش آبی فشاندن
به غم گفתי که ای همخوابه دل	برون کش رخت از این ویرانه دل
به افغان گفت عشرت‌ساز او باش	به سر می‌گفت پانداز او باش

(همان: ۸۸۸)

سخنان نرم و لطیف

سخنان نرمی که با خود تصاویر لطیفی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند و با زمینه عاطفی همراه است «عاطفه در شعر در نفس خیال‌ها و تصاویر نهفته است. خیال‌ها یعنی تجربه‌های حسی، واسطه‌های انتقال تجربه‌های عاطفی هستند. زیرا غم و شادی و هر گونه عاطفه‌ای در انسان مشترک است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۰۰)

وحشی بافقی در منظومه فرهاد و شیرین به بیان سخنان نرم و لطیفی در وصف اشخاص موجود در داستان یا فضاهایی که مربوط به داستان می‌باشد می‌پردازد:

صفای نوخطان با سبزه‌زارش	صفای وقت وقف چشمه‌سارش
هوایش اعتدال جان گرفته	نم از سرچشمه حیوان گرفته
گلش چون گلرخان پرورده ناز	نوای بلبلانش عشق پرواز
تو گفתי حسن خیزد از فضایش	فتوح عشق ریزد از هوایش

(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۴۲۹)

هوایش معتدل خاکش روان‌بخش	زلالش همچو خاک خضر جان‌بخش
---------------------------	----------------------------

غزالان وی از سنبل چریده
گوزنانش به سنبل آرمیده
(همان: ۸۱۰)

توصیف

یکی از مضامین اصلی ادب غنایی توصیف است که همواره در کنار مضمون اصلی شعر غنایی دیده می شود. به نحوی که شعر غنایی را می توان شعر توصیفی هم خواند (شمیسا، ۱۳۹۸: ۱۳۹).
وصف در شعر غنایی نقش عمده ای ایفا می کند و شعر را غزل باشد یا قصیده غنی و پرمایه می کند. اگر شاعر توصیف را در حق عشق و عاشقی استعمال کند غزل است و اگر در توصیف کسی به کار برد تمجید است.

توصیف طبیعت :

در منظومه فرهاد و شیرین به توصیف طبیعت می پردازد:

زمین هایش ز آب ابر شسته
در او گل های رنگارنگ رسته
بساطش در نقاب گل نهفته
گل و لاله ست کاندرا هم شکفته
(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۴۴۵)

هم چنین شاعر را می بینیم که در این منظومه به توصیف کوهی که فرهاد آن را می کند پرداخته:
یکی کوه بلندی آسمان رنگ
ازو خورشید و مه را شیشه برسنگ
هزاران چون مجرّه جویبارش
هزاران جدی و ثور از هر کنارش
به از کهف از شرافت هر شکافش
هزاران قله هم چون کوه قافش
(همان: ۷۹۸)

بیان توصیف با سخنان لطیف

در سرودن شعر وصفی، گاه شاعر از طریق مشاهده مستقیم و عینی، صفات ظاهری اشخاص و مناظر طبیعت را شرح می دهد و گاه ویژگی های روانی و عاطفی افراد را توصیف می کند.
توصیف دشتی که تفرج گاه شیرین بود که نامه خسرو رسید:

بهشتی کوثر اندر چشمه سارش
دم عیسی نهان در نوبهارش
فضایش چون سرای می فروشان
هوایش چون دماغ باده نوشان

همه صحرا گرفته لاله و گل	خروش ساری و دستان بلبل
زبان سوسنش از گفته خاموش	که آهنگ تذروانش کند گوش
به پای چشمه با گل‌های شاداب	فروغ آتش افزون گشته از آب
در او رضوان به منت گشته مزدور	خاکش برده عطر طره حور

(همان: ۱۲۲۶)

مؤلفه های صوری

عناصر صوری حوزه کشف و دستیابی به روابط میان زبان، دستور، صور خیال، موسیقی شعرو صنایع ادبی، با ادب غنایی را در برمی گیرد. پورنامداریان در مقاله «پیوند عین و ذهن» می گوید: «عناصر عینی یا بیرون از معنی پیش‌اندیشیده با معانی از پیش اندیشیده یا به طور کلی ذهن همراه می‌شوند تا آن را زینت دهند و در کسوتی جذاب و جالب به خواننده یا شنونده عرضه کنند. معنی در نتیجه این همراهی گم نمی‌شود، آراسته و در میان موهبتان می‌آید تا با شکوه و زیباتر جلوه کند. همراهی «عین» با «ذهن» یا معنی منظور نظر که در ذهن شاعر است با عناصر عینی سبب می‌شود که معنی که حداقل در یک جمله - که واحد بیان اندیشه است - شکل می‌گیرد، همراه آرایه‌های بیرونی جذاب‌تر شود و با ظهور در کسوتی زیبا هم عادی و تکراری به نظر خواننده جلوه نکند و هم عواطف شاعر را حفظ کند و هم احساسات و عواطف خواننده را به کمک دیگر عناصر شعر برانگیزد و این شیوه همراهی ذهن و عین را به خصوص در تشبیه و اضافه‌های تشبیهی آشکارتر می‌بینیم. در تشبیه معنی یا آنچه منظور اصلی گوینده است و پیش از سرودن شعر در ذهن گوینده جا دارد در عین قرار می‌گیرد و این حال را هم در قصیده و مرثیه و غزل می‌بینیم، هم در دیگر انواع شعر؛ جز آن‌که در حماسه و وصف، معنی ممکن است بیش‌تر از جنس عین باشد که در کنار عین قرار می‌گیرد.» (پورنامداریان، ۱۳۹۷: ۲۴۴).

بررسی عناصر صور خیال

به کار بردن عناصر خیال، در شعر اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا شعر بهتر و سریع‌تر در ذهن جایگزین می‌شود و در دل رسوخ می‌کند. در نظر بسیاری از اهل فن، جوهر اصلی و فصل مقوم شعر، همین عامل تخیل و عنصر خیال است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۹۰). کاربرد عناصر خیال، در شعر اهمیت بسیاری دارد

و شعر بهتر در ذهن رسوخ می‌کند. بررسی و توصیف طبیعت، منشأ وصف طبیعت در اشعار غنایی احساس از دست دادگی یا وصال به معشوق است.

همچنین به کوشش ذهنی شاعر برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت، خیال یا تصویر می‌گویند و انواع عناصر صور خیال در این راستا نظیر تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز است که علاوه بر مفهوم بخشی واقعی به شعر، آن را خیال انگیز می‌کند.

کنایات نرم و لطیف غنایی

آرایه کنایه از مهم‌ترین شگردهای زیباآفرینی در کلام است که نقش مهمی در تصویرسازی دارد به کاربردن یک جمله یا عبارت، با دو معنای دور و نزدیک است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نیست بلکه می‌خواهد خواننده را متوجه معنای باطنی یا معنای دورآن کند. اگر گوینده بخواهد مفهومی را محترمانه یا به صورت غیر مستقیم به مخاطب خود منتقل کند، از کنایه استفاده می‌کند.

در منظومه فرهاد و شیرین کنایه‌هایی به چشم می‌خورد که شاعر در هر کدام از آنها از مؤلفه‌های ادب غنایی مانند شکوه و شکایت یا ایجاد فضای بزم و صحنه‌سازی استفاده کرده است:

از آن پیمان شکن یار هوس کوش تف غیرت نهادش در جگر نوش
چه زهر آلود شکر ها که خوردیم چه دندان ها که بر دندان فشردیم
(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۳۴۵)

در ابیات بالا می‌بینیم که «شکرهای زهر آلود را خوردن» یا «دندان بر دندان فشردن» عبارت کنایی می‌باشد. بیان این کنایه با لحن خوردن شکر زهر آلود یا فشردن دندان بر دندان از شدت خشم می‌تواند بهترین تصویر سازی شکایت از وضعیت موجود زندگی باشد.

پس آنگه خیر باد یک به یک کرد به پوزش لعل شیرین پر نمک کرد
نمک می‌ریخت از لعل نمک ریز وزان در دیده‌ها می‌شد نمک بیز
(همان: ۴۷۴)

در ابیات بالا لعل شیرین پر نمک کردن و همچنین «از لعل نمک ریختن» کنایه از سخنان نرم و لطیف می‌باشد.

همچنین ابیات بالا می‌توانند بهترین کنایاتی باشند که می‌توان برای ایجاد تصویر از سخنان لطیف استفاده کرد.

استعاره

از مهم‌ترین صورت‌های خیالی می‌توان به استعاره اشاره کرد و طبق گفته برخی از افراد به عنوان اساس کلام شاعرانه محسوب می‌شود. تعریف استعاره بر طبق گفته‌ی اهل ادب به این صورت است که یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشند. استعارات شعر غنایی لطیف و نرم هستند. استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و ابزار نقاشی کلام است و زبان شعری را بسیار قوی‌تر و ساده‌تر کرده و برد کلام را ارتقا می‌دهد.

ز بی‌یاری دلی بودش چنان تنگ که بودی با در و دیوار در جنگ
(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۳۴۵)

در بیت بالا دل با در و دیوار جنگیدن استعاره از بی‌قراری و دلتنگی شیرین است. انگار دل او آنقدر از تنهایی به تنگ آمده که با جمادات هم سرستیز دارد. این استعاره می‌تواند به بهترین نحو مطلب را بازگو کند.

از آن پیمان شکن یار هوس‌کوش تف غیرت نهادش در جگر نوش
(همان: ۳۴۵)

در بیت بالا تف غیرت استعاره تشخیصی می‌باشد یعنی جان بخشی به اشیا دارد.

نمی‌رفت از دل شیرین خیالش که با جان داشت پیوند آن نهالش
(همان: ۳۶۶)

در بیت بالا نهال استعاره از خسرو است و پیوند با جان یعنی این عشق به اندازۀ جان شیرین، حیاتی و جدایی ناپذیر شده است.

مجاز

شوق و اشتیاق خواننده در عنصر مجاز، برای جست و جو و طلب مفهوم تازه است و این عامل درونی موجب تاثیر گذاری بیشتر بر سخن می شود (شفیعی کدکنی ۱۳۸۰: ۸۴).
در واقع مجاز استفاده از واژه هایی با معنای غیر واقعی آن ها در شعر یا نثر است و کلمه ای که در معنای غیر حقیقی خود به کار رفته باشد.

از آن بد عهد دمساز قدم سست تراوش های اشکش رخ به خون شست
(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۲۷)

در بیت بالا کلمه رخ بخشی از صورت است اما کل چهره اراده شده است. به کار بردن آرایه مجاز در این بیت تصویر سازی را در ذهن خواننده چند برابر می کند.
ز بی یاری دلی بودش چنان تنگ که بودی با در و دیوار در جنگ
(همان: ۱۹)

در بیت بالا جنگیدن با در و دیوار غیر واقعی می باشد و در و دیوار به جای محیط اطراف به کار رفته است.

تشبیه

تشبیه یکی از پرکاربرد ترین صنایع ادبی فارسی است و چون به معنای کلام مربوط می شود، در دسته آرایه های ادبی معنوی قرار می گیرد. در آرایه تشبیه شاعر یا نویسنده ادعا می کند که یک فرد، شیء یا پدیده، در مورد یک صفت یا ویژگی خاص، به فرد، شیء یا پدیده دیگری شبیه است.

ز هر جنسی که هست از ما بر آن رنگ برون آرید از این غمخانه تنگ
(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۸۶)

در بیت بالا تشبیه کاخ شیرین به غمخانه را می‌بینیم.
بت پر شکوه ما پر شکایت
گل خوش لهجه سرو خوش عبارت
(همان: ۸۴)
نمک پاش جراحت‌های ناسور ز سر تا پا نمک شیرین پر شور
(همان: ۸۴)

بالا بودن بسامد واج‌های (آ، ش، س) و تأثیر آن‌ها در القای حس غنایی
بسامد واج (آ) در متون غنایی بالاست. تراکم این واج در بیت گاه بیانگر معانی خاصی است، از جمله القای حس اندوه، آه و گاه فریاد، گویی خواننده با خواندن بیت با تکرار صدای (آ) ناله را تجربه می‌کند و گاهی حالت مستی و از خود بی‌خودی عاشقی را نمایش می‌دهد و موسیقی شعر را در جهت تقویت معنا و مفهوم به کار می‌برد.

بیارایید امشب محفلم را دهید از کوهکن کام دلم را
دمی از باده ما را آزمون آر ز وسواس خردمندی برون آر
(وحشی بافقی، ۱۳۷۸: ۱۶۳۳)

(ش) از جمله واج‌های سایشی است؛ تکرار این واج در بیان احساسات که می‌تواند احساس شور و شغف و شادی یا خشم و غضب و برآشفتن باشد چشم‌گیر است. بسامد این واج در متون غنایی بیش از متون حماسی است.

در شبی که شیرین نزد فرهاد می‌رود و شب تا به صبح دور از چشم خسرو نزد فرهاد می‌ماند آن شب برای شیرین بسیار دلچسب و مقدس می‌شود:

شب قدر است و روز عید امشب نوازد چنگ خود ناهید امشب
(همان: ۱۶۰۹)

واج (س) واج سایشی و بی واک محسوب می‌شود. واج آرایبی این واج به خصوص در ادبیات غنایی مشاهده می‌شود و نسبت به (ش) کم‌تر است. به خصوص کاربرد آن در آغاز هجاها مؤثر و چشم‌گیر است. این واج در توصیف حالات و رفتار عاشقان استفاده می‌شود.

خوشا مستی و صدق می‌پرستان که نی سالوس دانند و نه دستان

(همان: ۱۵۶۹)

سینه فرهاد پر از شوق و حسرت بود سخن شیرین همواره در کوشش حسرت بود

(همان: ۶۷۸)

نتیجه‌گیری

منظومه «فرهاد و شیرین» وحشی بافقی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار ادبیات غنایی فارسی، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های عمیق عاطفی و آرایه‌های ادبی بدیع، اثری ماندگار در حوزه ادبیات عاشقانه آفریده است. این اثر نه تنها از نظر ساختار روایی و پرداخت شخصیت‌ها کامل و منسجم است، بلکه با پایانی بسته و غم‌انگیز، تأثیرگذاری عاطفی عمیقی بر خواننده بر جای می‌گذارد.

بررسی شاخص‌های غنایی در این منظومه نشان می‌دهد که شاعر با مهارت تمام، عناصر مختلف ادبیات غنایی را در خدمت بیان احساسات و عواطف انسانی به کار گرفته است.

درون‌گرا بودن (بیانگر عواطف درونی شاعر است)، و بیان احساسات درونی شاعر پیام را به سوی من درونی سوق می‌دهد و متن پیام کارکردی عاطفی می‌یابد. عاشقانه بودن داستان با بن مایه‌های عاشقانه از مهم‌ترین شاخصه ادب غنایی می‌باشد.

آرایه‌های ادبی استعاره، تشبیه و مجاز و... در حد اعلای آن به کار رفته است. وحشی بافقی دستاوردهایی چون: صور خیال، تصویرهای خیالی و هنرهای کلامی بسیاری از خود بروز داده است. قدرت وحشی در

صنایع سخن و وسعت اطلاعاتی او، از ابیات خلاقانه نمایان است

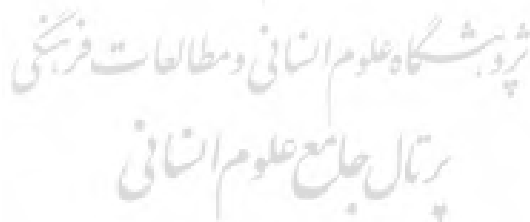
تصاویر شعری وحشی بافقی در این منظومه، حاصل تلفیق هوشمندانه تجربیات عاطفی با مشاهدات عینی است. شاعر با بهره‌گیری از قدرت تخیل - که جوهر اصلی آفرینش ادبی است - این تجربیات را در

قالب تابلوهای زبانی ارائه می‌دهد. این تصاویر گاه با صنایع بدیعی متکلف و گاه با زبانی ساده و بی‌آلایش بیان شده‌اند.

وحشی بافقی با مهارت کم‌نظیر خود در به کارگیری این مؤلفه‌ها، موفق به آفرینش تصاویر شعری بی‌همتا در ادبیات فارسی شده است. رویکرد او در خلق آثار ادبی، فراتر از بازتاب ساده واقعیت‌های بیرونی است؛ او با نگاهی خلاقانه و کشف ارتباطات نوین بین دنیای درون و جهان بیرون، به آفرینش مضامین شعری ماندگار دست می‌یابد.

مطالعه تطبیقی این شاخص‌ها در منظومه‌های غنایی، امکان دسته‌بندی علمی آثار ادبی را فراهم کرده و به محققان در درک بهتر سبک‌شناسی و نقد ادبی یاری می‌رساند. این رویکرد تحلیلی، راه را برای درک عمیق‌تر ارزش‌های ادبی و زیبایی‌شناسی شعر فارسی هموار می‌سازد.

این اثر گران‌قدر نه تنها نمونه کاملی از ادبیات غنایی فارسی به شمار می‌رود، بلکه گنجینه‌ای ارزشمند برای مطالعه و پژوهش در حوزه‌های مختلف ادبی، از جمله سبک‌شناسی، نقد ادبی و زیبایی‌شناسی شعر فارسی محسوب می‌شود. بررسی و تحلیل این منظومه، پنجره‌ای به سوی درک بهتر فرهنگ و اندیشه ایرانی می‌گشاید و عمق و غنایی ادبیات فارسی را به نمایش می‌گذارد.



منابع

- ۱- آقا جعفری، هما، (۱۳۸۷). *عشق در ادبیات فارسی*، [مقاله کارشناسی ارشد]. حوزه نت.
- ۲- بابایی، پرویز (مصحح). (۱۴۰۲). *دیوان وحشی بافقی*. نشر نگاه.
- ۳- بروستر، اسکات. (۱۳۹۵). *شعر غنایی*، ترجمه رحیم کوشش، چاپ دوم، تهران: نشر سبزان.
- ۴- پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۷). *خانه‌ام ابری است*، چاپ ششم، تهران: نشر مروارید.

- ۵-.....، (۱۳۸۶). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶-رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی. نوید.
- ۷-زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۴). نقد ادبی، تهران، امیر کبیر.
- ۸-سازمند، فهیمه. (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌های غنایی مشترک در آثار فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده]. دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۹-شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی، تهران: نشر سخن.
- ۱۰-.....،.....،..... (۱۳۸۶). زمینه اجتماعی شعر فارسی، تهران، اختران
- ۱۱-شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). انواع ادبی. فردوس.
- ۱۲-مشهدی، محمدمیر. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های ادب غنایی در تاریخ بیهقی [رساله دکتری منتشر نشده]. دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۳-مهمان‌دوست، رقیه. (۱۳۹۶). بررسی مؤلفه‌های غنایی و کارکرد آن در منظومه بانوگشسب‌نامه [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده]. دانشگاه تهران.
- ۱۴-یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۹). چشمه روشن. تهران، نشر علمی.

Resources

- Babaei, Parviz (editor). (1402). Divan Vahshi Bafiqi. Negah Publishing
- Brewster, Scott. (2016). Lyric Poetry, translated by Rahim Koosh, second edition, Tehran: Sabzan Publishing House.
- Pournamdarian, Taghi. (2018). My House is Cloudy, 6th edition, Tehran: Morvarid Publications
-, (2007). Riddles and Riddle Stories in Persian Literature. Scientific and Cultural Publications.
- Rastegar Fasai, Mansour. (2000). Types of Persian Poetry. Navid.
- Zarrin Koob, Abdolhossein (1975). Literary Criticism, Tehran, Amir Kabir.
- Sazmand, Fahimeh. (2019). "A Study of Common Lyrical Components in the Works of Fakhreddin Asad Gorgani and Nezami" [Unpublished Master's Thesis]. Allameh Tabataba'i University.
- Shamisa, Sirus. (2003). Literary Types. Ferdows.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (2002). Persian Poetry Eras, Tehran: Sokhan Publishing House.

-
-,(2007). Social Context of Persian Poetry, Tehran, Akhtaran
- Mehmandost, Roghieh. (2017). A study of lyrical components and their function in the Banughashsabnameh poem [Unpublished master's thesis]. University of Tehran.
- Yousefi, Gholam Hossein. (1980). Bright Spring. Tehran, Scientific Publishing House.

